

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



زبان‌شناسی و نقش آن در قرآن کریم

فاطمه مهدی‌زاده^۱ فائزه مهدی‌زاده^۲ محمد حسین مهدی‌زاده^۳ معصومه مهدی‌زاده^۴

^۱ دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی، پردیس شهید باهنر، دانشگاه فرهنگیان کرمان (fatemeh78734945@gmail.com)

^۲ کارشناس ارشد مهندسی شیمی، کرمان

^۳ کارشناس ارشد دبیری فیزیک، کرمان

^۴ کارشناس دبیری علوم تجربی، کرمان

چکیده:

علمی که به تجزیه و تحلیل زبان، درک حالت‌های گوناگون و مختلف زبان انسان، تأثیر آن بر جنبه‌های متفاوت فرهنگ و ارتباط آن با رفتار انسانی می‌پردازد، زبان‌شناسی نام دارد که از علوم شناخته‌شده‌ای با قدمت و پیشینه طولانی‌مدت است و ارتباط عمیقی با دیگر علوم انسانی به ویژه علوم قرآنی دارد. بنابراین مطالعات زبان‌شناسی قرآن، در تبیین بطن و جهان‌بینی آن نقش بسیار مهمی دارد و به همین علت است که زبان قرآن، یکی از مهم‌ترین مبانی تفسیر قرآن است. در تفسیر «البیان فی الموافقة بین الحدیث و القرآن» نوشته علامه طباطبایی به زبان قرآن توجه ویژه‌ای شده است. یکی از مهم‌ترین نظریه‌های زبان قرآن، نظریه زبان عرفی است که سابقه‌ای طولانی دارد. از این‌رو، مقاله حاضر کوششی است که محققان پس از معرفی علم زبان‌شناسی و زبان قرآن، به تبیین ویژگی‌های زبان قرآن، مهم‌ترین نظریه‌ها و مولفه‌های زبان‌شناختی قرآن می‌پردازند.

واژگان کلیدی: قرآن، زبان‌شناسی، زبان قرآن.

اولین همایش ملی علوم انسان در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



مقدمه:

زبان، مهم‌ترین وسیله ارتباطی میان افراد جامعه است و دقیق‌ترین تعریفی که درباره زبان در حال حاضر وجود دارد عبارت است از: «زبان مجموعه‌ای از نشانه‌های قراردادی است که در امتداد یک بعد (زمان) برای انتقال پیام استفاده می‌شود. منظور از امتداد یک بعد این است که هر نشانه از پس نشانه دیگری به نوبت می‌آید». مجموعه نشانه‌ها در طول زمان مفهومی در ذهن انسان شکل می‌دهد. ویژگی‌ای که خاص زبان انسان می‌باشد این است که کلامی را که به زبان خاص بیان شده است می‌توان دو بار تجزیه کرد. در تجزیه بار نخست کلام را می‌توان به واحدهای معنایی کوچک‌تر تجزیه کرد که به این واحدها تکواژ می‌گویند. در مرحله دوم هر تکواژ را می‌توان به واحدهای کوچک‌تر آوایی تقسیم کرد که از لحاظ کاربرد آوایی بسیط‌اند و از نظر معنایی فاقد معنا؛ به این جزءهای کوچک‌تر واج می‌گویند [۱].

زبان از سه دستگاه تشکیل شده است:

۱. دستگاه صوتی یا فونولوژی

۲. دستگاه دستوری یا گرامر

۳. دستگاه واژگان [۲].

دستگاه صوتی عبارت است از نظامی که بین عناصر آوایی زبان وجود دارد. گرامر یا دستور، نظامی است که بین عناصر معنی دار زبان وجود دارد و واژگان زبان مجموعه لغاتی است که اهل زبان در دسترس دارند و رابطه ای بین آنها برقرار می‌کنند [۲].

در دستگاههای صوتی و دستوری زبان، تعدادی صدا وجود دارد که بعضی از آنها صامت اند و بعضی دیگر مصوت. این تعداد در زبانهای مختلف متفاوت است، ولی برای هر زبانی معین و مشخص است. دستگاه صوتی زبانی چون فارسی، که دارای شش مصوت است، نمی‌تواند به آسانی تغییر کند و مصوت تازه ای را در خود بپذیرد یا مصوتی را از جمع خود بکاهد. ولی واژگان زبان، دستگاهی آن چنان بهم یافته نیست و نفوذ در شبکه ارتباطی آن آسانتر است؛ بدین معنی که کم یا زیاد شدن عناصر واژگان، یعنی لغات به آسانی صورت می‌گیرد و این کم و زیاد شدن موجب بهم خوردن روابط موجود در زبان نمی‌شود. همچنین واژگان زبان منعکس کننده دگرگونی‌هایی است که در طول زمان در فرهنگ جامعه بروز می‌کند [۲].

شکل های گوناگون زبان:

کامل ترین شکل های گوناگون زبان عبارتند از؛ گونه، لهجه و گویش [۱].

به شکل هایی از یک زبان که هر کدام در موقعیت خاص و معینی به کار می‌روند، گونه نامیده می‌شوند. لهجه، شکل هایی از زبان است که فقط در تلفظ با هم تفاوت دارند می‌گویند اما گویش به شکل هایی از یک زبان گفته می‌شود که علاوه بر تلفظ در انتخاب کلمات و قواعد دستوری نیز با هم فرق دارند که به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

۱- گویش جغرافیایی: گویشی که به مکان جغرافیایی وابسته است مانند: گویش یزدی، گویش بوشهری.

۲- گویش اجتماعی: گویشی که مربوط به طبقه اجتماعی خاصی است مانند: گویش بازاریان.

۳- گویش تاریخی: گویشی که مربوط به ادوار گذشته است مانند گویش قاجاریه، گویش صفویه.

۴- گویش معیار: گویشی که در زمان حاضر اغلب مردم با آن صحبت می‌کنند [۱].

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



زبان‌شناسی و شاخه‌های آن، کاربردهای متنوع و فراوانی در حوزه مطالعات قرآنی دارد، از جمله آواشناسی در تجوید، کاربردشناسی در متشابهات، زبان‌شناسی تاریخی در بلاغت، ریشه‌شناسی در واژگان دخیل قرآن و معناشناسی در تفسیر موضوعی. قرآن دارای زبانی خاص همچون زبان رمزی و عرفی و جز آن نیست، بلکه دارای ساختاری است که تمام انواع زبان را به صورت تلفیقی و به تناسب سطح مخاطبان و افق فهم آنان، نوع مفاهیم و آموزه‌ها، اهداف و مقاصدی را که دارد و در راستای جهان‌بینی الهی، در آیات گوناگون خود به نحو شگفت‌انگیزی به کار گرفته است. قرآن کتاب هدایت است و از این رو، در ساحت‌های گوناگون حیات فردی و اجتماعی، عقلانی و عاطفی و مادی و معنوی انسان وارد شده و با آدمی سخن گفته است. اقتضای رسیدن به این مقصود، استفاده از سبک‌های متنوع و شیوه‌های گوناگون بیانی بوده که قرآن به نحو عالی و شگفت‌انگیزی از عهده چنین کاری برآمده است [۳].

مهم‌ترین ویژگی‌های زبان قرآن:

مهم‌ترین ویژگی‌های زبان قرآن که با استفاده از آن می‌توان نقاط تمایز زبان قرآن را از سایر متون مقدس آشکار کرد، عبارتند از:

الف) قیاس ناپذیری با زبان بشر:

«زبان قرآن را نمی‌توان با هیچ زبانی مقایسه کرد: مثلاً، آن را صرفاً زبانی معمولی و عرفی یا زبانی ویژه، همانند زبان فیلسوفان و عارفان دانست» از سویی دیگر، «برای فهم کلام بشری، اکتفا به لغت و اصول لفظی کافی است، ولی برای فهم کلام خدا، اکتفا به این‌ها کافی نمی‌تواند باشد» [۴].

ب) پیوستگی واژگان و مفاهیم قرآن در شبکه‌ی ارتباطی و نظام‌مند:

از جمله ویژگی‌های مهم زبان قرآن، به هم پیوستگی معنایی واژگان کلیدی، به صورت نظام‌مند با یکدیگر است. هر کلمه یا عبارتی از این شبکه در پیوند با مجموعه سازمان‌یافته واژگان، مفهوم واقعی خود را می‌یابد و چه بسا معنای یادشده با معنای عرفی و لغوی آن دقیقاً منطبق نباشد. زیرا «بیان قرآن، کلامی است که الفاظش در عین این‌که از یکدیگر جدا هستند، به یکدیگر متصل‌اند» [۵].

ج) برخورداری از سطوح گوناگون بیان:

در قرآن، سطوح مختلف بیانی به تناسب مخاطبان و نوع پیام، به صورت خارق‌العاده و به گونه‌ای اعجاب‌آور در هم تلفیق شده است. شاید این نکته از ویژگی‌های بارز کتابهای آسمانی باشد که تنها در قرآن تجسم دارد [۴].

د) چند سطحی و طولی بودن معنا:

از ویژگی‌های کلیدی زبان قرآن این است که از سطوح و لایه‌های گوناگون معنایی برخوردار است و شناخت لایه‌های درونی آن از فهم عادی و معمولی بالاتر است. علامه طباطبائی در المیزان به این ویژگی اساسی چنین اشاره می‌کند: «قرآن از نظر معنا، مراتب مختلفی دارد؛ مراتبی طولی که مرتب و وابسته به یکدیگر است و همه آن‌ها در عرض واحد قرار ندارند» [۶].

و) سهل و ممتنع بودن:

قرآن سهل است؛ به خاطر این‌که بسیاری از مطالب آن به زبان ساده بیان شده؛ همه مردم اگر در آن دقت کنند، می‌توانند بفهمند. ممتنع است؛ به خاطر این‌که قسمت‌هایی از قرآن معارف عالی و مسائل ظریف مربوط به خدای متعال و عالم پس از مرگ و... را مطرح می‌کند [۶].

گذری بر مهم‌ترین نظریه‌های زبان قرآن:

درباره زبان قرآن نظریه‌های گوناگونی مطرح است؛ که از میان آنها، سه نظریه بسیار مهم عبارتند از:

۱- نظریه «زبان عرفی»

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



بر اساس این دیدگاه، «زبان قرآن همان زبان تفاهم و تخاطب عرف عقلاست و خداوند برای القا و ابلاغ پیام خود به مردم، طریقه و زبان دیگری جز آن را گزینش نکرده است.» به بیان دیگر، «شارع مقدس در تعالیم و ابلاغهای خود، روش خاص و شیوه جدیدی را ابداع نکرده است و به همان شیوه عقلایی عمل نموده است.» برخی دیگر در این زمینه نوشته اند: «در قرآن مجید، آیات فراوانی وجود دارد که از آنها استفاده می‌شود که قرآن یک کتاب ساده و برای عرف و عموم مردم آمده است... بنابراین، باید مانند تمام گفت و گوهای عادی و متعارف، معنای ظاهری آن منظور و برای عموم قابل فهم بوده باشد.» برخی این نظریه را تنها در قلمرو شریعت (آیات الاحکام) کارساز میدانند [۷].

این نظریه با اینکه صورت منسجم از آن در دست نیست و در کم و کیف آن، رأی و نظر واحدی وجود ندارد، دارای مشکلات بسیاری است و با آن نمیتوان همه جوانب آیات را در گستره کل قرآن از نظر زبانی تبیین کرد؛ زیرا نه میتوان تمامی آیات را با زبان عرفی فهم و تحلیل کرد و نه شیوه بیان عرفی مأخوذ در قرآن، تماماً با زبان عرفی متداول در بین مردم یکسان و متناظر است. از تسامح و سهل انگاری، اختلاف و ناهمخوانی، پیش پا افتاده بودن مفاهیم و امثال آن، که جزو لوازم زبان عرفی میباشد در قرآن نمیتوان چیزی را سراغ گرفت ضمن اینکه بر خلاف زبان عرفی، صرف اصول لفظی و قواعد ادبی برای فهم زبان قرآن کافی نیست. از دیگر مشکلات این است که مرز قاطعی برای تعیین استعمال زبان عرفی ناظر به واقع و غیرشناختاری وجود ندارد و این امر بیانات قرآنی را با چالشهای فراوانی روبه رو خواهد کرد [۷].

۲- نظریه «زبان سمبلیک»

بر اساس این نظریه، بیانات موجود در متون مقدس دینی، از جمله قرآن، نه به زبان عرفی و نه به طور مستقیم و صریح، بلکه به زبان رمز و اشاره است. از اینرو، آنچه از ظاهر عبارات آنها فهمیده میشود مراد نبوده، بلکه این ظاهر رمز برای حقایقی است که آنها را جز به زبان غیر مستقیم (نمادین) نمیتوان بیان کرد. مطابق این نظریه، دلالتهای ظاهری آیات الهی مقصود نیست. این دیدگاه در شکل باطنیگری و گاه در قالب رویکردهای کلامی جدید برای تحلیل زبان و وحی خود را نشان داده است [۷].

به نظر میرسد رمزی قلمداد کردن مجموعه قرآن و تمامی آیات آن، ادعای گزافی است که نتوان برای آن پشتوانهای نظری جست وجو کرد. اما از سوی دیگر، چنان هم نیست که هیچگونه بیانی نمادین در قرآن وارد نشده باشد. بلکه اضافه بر حروف مقطعه، برخی از آیات قرآن به حقایقی فراتر از مفهوم لغوی و عرفی اشاره دارند و نمیتوان ظاهر آنها را اخذ کرد. نوع این بیانات به نحو استعاری و کنایی وارد شده است [۷].

نکته ای که در این زمینه نباید مورد غفلت قرار گیرد این است که نه میتوان بی دلیل قایل به نمادین بودن آیه ای شد و نه هر بیانی را رمز و نمادی برای هر معنا و حقیقتی دانست، بلکه باید بین آنها تناسب وجود داشته باشد [۷].

۳- نظریه «زبان ترکیبی (تلفیقی)»

بر اساس دیدگاه قایلان به این نظریه، برای قرآن نمیتوان زبان خاصی قایل شد و یا آن را محدود به یکی از آنها دانست، بلکه متناسب با مضامین و سنخ گزارهها و نیز اهدافی که صاحب وحی از نزول آیات قصد کرده است، همچنین برابر با جهانی بینی حاکم بر قرآن، هویت و ساختار زبان آن شکل گرفته است. بر این اساس، سبک بیان و ساختمان معنایی مفاهیم و مطالب قرآنی به صورت آمیزهای از شیوههای گوناگون و ترکیبی از زبانهای متعدد میباشد. برخی از صاحبان اندیشه در این باره گفته اند: «نظریه ای که زبان دین را مختلط از شیوه های گوناگون میداند، نظریه های قوی است؛ یعنی اگر زبان دین را به طور مطلق عرفی بدانیم، که هیچ جنبه نمادین در آن نیست، یا برعکس، اگر بگوییم کلیه مفاهیم دینی نمادیناند و هیچ مفهومی حقیقی یا عرفی نداریم، هیچکدام از این دو نظر صحیح نیست، بلکه باید

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



نوعی تفصیل قایل شد.» به بیان دیگر، «نمی‌توانیم در حیطه زبان دین، دستوری کلی صادر کنیم و بگوییم همه قضایای دینی دارای زبان خاص یا عرفی هستند، بلکه زبان دین مخلوطی از همه اینها (زبانها) است و دین از زبانهای گوناگون استفاده میکند.» [۷].

مهم‌ترین مولفه‌های زبان‌شناختی قرآن:

(الف) موسیقی آیات قرآن:

مراد از نظم آهنگ قرآن، آهنگ خاصی است که از نحوه چینش حروف و کلمات قرآنی پدید می‌آید و هنگام استماع قرآن کریم به گوش می‌رسد. این نظم آهنگ که گاهی از آن به موسیقی آیات قرآن نیز تعبیر شده و دارای نظم شگفت‌انگیز و ارتباط بسیار دقیق با معانی و مقاصد آیات و سوره‌ها است و الفاظ قرآن را روان و شیوا می‌سازد [۸].

(ب) واج آرایبی در قرآن کریم:

یکی از عوامل زبانی که موجب موسیقایی قرآن و زیبا شناختی آن می‌شود واج آرایبی است. واج عبارت است از کوچکترین واحد صوتی که می‌تواند تغییری در معنا ایجاد کند و هجا یا بخش مقدار آوایی است که با یکبار باز شدن دهان ادا می‌شود و از واج‌ها می‌آید. واج آرایبی تکرار یک واج در واژه‌های یک مصراع، بیت و یا متن ادبی است که باعث ایجاد موسیقی درونی در متن می‌شود و بر تأثیر شعر یا متن می‌فزاید. برای نمونه در بخشی از آیه «۱۹۴ سوره بقره» تکرار حرف «ع» جالب توجه است: «فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا عَتَدَىٰ عَلَيْكُمْ»؛ به عقیده برخی از دانشمندان زبان‌شناس، واژه‌ها پیوندی طبیعی با معنا دارند؛ یعنی در پیدایش الفاظ نوع انتخاب حرف بر اساس معنای مورد نظر واژه صورت گرفته است به‌عنوان مثال برای کلماتی که معنایی خشن و سخت دارند، از حروف درشتی همانند «خ»، «غ»، «ق» استفاده می‌شود. در زبان عربی واژه «لین» به‌معنای نرمی است. و از حروف نرم به شمار می‌رود و در مقابل در کلمه «غلظت» از دو حرف «غ» و «ظ» بهره برده شده که درشتی و استعلاء دارد. در آیه ذیل نحوه استفاده از حروف و صدا معنایی به وضوح دیده می‌شود. «فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُضِّقُوا مِنَ حَوْلِكَ»؛ «به برکت رحمت الهی، در برابر آنان نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی از اطراف تو پراکنده می‌شدند». در آیه شریفه زمانی که سخن از رحمت و مهربانی به میان آمده است از حروف نرم استفاده می‌شود و هرگز از حروف درشت و مستعلیه استفاده نشده است. اما در بخش بعدی آیه که می‌فرماید: اگر خشن و سنگدل بودی، از حروف درشت همانند «ظ»، «غ»، «ق» استفاده شده است [۸].

(ج) واژگان غریب قرآن:

در قرآن واژه‌هایی هست که علما، آن‌ها را واژگان غریب می‌نامند، این غرابت بدان معنا نیست که آن‌ها ناشناخته یا نادرند، بلکه مقصود واژه‌هایی است که هنگام تأویل و تفسیر غریب می‌نماید به‌گونه‌ای که همه مردم در فهم آن‌ها برابر نیستند. خداوند، قرآن را به‌وسیله جبرئیل بر پیامبر به زبان عربی فرستاده است: «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ * عَلَىٰ قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ * بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ» (شعراء/ ۱۹۳-۱۹۵) صحابه آن حضرت، که قرآن در میان‌شان نازل شده بود، با غرابتی در معنای واژگان آن و دشواری در فهم مراد آیاتش روبه‌رو نمی‌شدند. چه این‌که زبان وحی، زبانی بوده است که بدان سخن می‌گفته‌اند و این زبان گفتاری از سلامت برخوردار و ذوق و سلیقه‌شان در این باره زلال بوده است [۴].

(د) واژگان بیگانه (دخیل):

در قرآن واژه‌هایی با اصل و ریشه غیرعربی، که به این واژه‌ها «الألفاظ الدخیله» و «المعربات» می‌گویند. بررسی وجود این گونه کلمات در قرآن کریم از آن جهت اهمیت دارد که ممکن است تصور شود وجود چنین واژه‌هایی با عربی بودن قرآن منافات دارد. امروزه در نتیجه بررسی‌های دانش‌هایی همچون زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی زبان و روان‌شناسی زبان، در مورد چگونگی برخورد زبان‌ها و اصول

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



تداخل‌های آوایی، صرفی، دستوری، واژگانی و معنایی زبان‌ها در یکدیگر اطلاعات بیشتری در دست است. وارد شدن واژه‌ها و عناصر یک زبان به زبان دیگر، نتیجه برخورد آن زبان‌ها با یکدیگر است و برخورد زبان‌ها جزئی از برخورد فرهنگ‌هاست. هر جا داد و ستد فرهنگی باشد، داد و گرفت زبانی و واژگانی نیز در کار است. هیچ زبانی نیست که از زبان‌های مجاورش که با آن‌ها داد و ستد بازرگانی، فرهنگی و اجتماعی داشته است، تأثیر نپذیرفته یا بر آن‌ها تأثیر نگذاشته باشد. نکته مهم اینجاست زبان‌هایی که ریشه در فرهنگ‌های بومی دارند و ادبیاتی غنی به‌وجود آورده‌اند، نه تنها از این داد و ستد آسیب نمی‌بینند، بلکه غنی‌تر و پربارتر می‌شوند [۴].

(و) کلمات اضداد در قرآن کریم:

کلمات اضداد، کلماتی هستند از نوع مشترک لفظی که دو معنی متقابل دارند. اضداد لغوی در لغات عرب که زبان قرآن است وجود دارد؛ لذا شناخت آن در فهم آیات قرآن ضروری است. به‌عنوان مثال: واژه «إخفاء» یکی از کلمات اضدادی است که در قرآن به کار رفته است. در معنای إخفاء آمده است: الاظهار و الکتمان یعنی ظاهر کردن و پنهان کردن. این کلمه و مشتقات آن سی و چهار مرتبه در قرآن ذکر شده است. مواردی از آیات قرآن کریم عبارتند از: «إِنَّ السَّاعَةَ أَكَادُ أَخْفِيهَا لِتُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى» (طه، ۱۵) «سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسْرَّ الْقَوْلَ وَ مَنْ جَهَرَ بِهِ وَ مَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَ سَارِبٌ بِالنَّهَارِ» (رعد، ۱۰) [۴].

(ج) ترادف در قرآن:

ترادف در لغت به معنای آمدن چیزی پس از چیز دیگر است؛ اما در معنای اصطلاحی آن اتفاق نظری نیست؛ آنان که به‌وجودترادف در زبان عربی و قرآن باور دارند، ترادف را عبارت از اتحاد دو یا چند واژه در معنای مراد (مصدق) دانسته‌اند. مانند: «شِرْعَةً وَ مِنْهَاجًا» (مائده/۵، ۴۸) یا «ضِيْقًا حَرَجًا» (انعام/۶، ۱۲۵) [۴].

بحث و نتیجه‌گیری:

زبان مجموعه‌ای از نشانه‌های قراردادی است که در امتداد یک بعد برای انتقال پیام استفاده می‌شود. خداوند در قرآن کریم زبان را برترین رسانه معرفی می‌کند زیرا قرآن و پیام الهی از طریق زبان جاری می‌شود. از طرفی خدمت بزرگی که زبان قرآن و زبان حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) در جامعه انسانی انجام داد، هیچ قدرتی توانایی انجام آن را ندارد. در واقع گفتار و بیان و تعلیم آن که در ضمیر انسان است از مواهب و آثار رحمت و برکت خداوند به حساب می‌آید در حقیقت سخن گفتن از شگفت‌انگیزترین اعمال انسان است و دامنه عمل بسیار وسیعی دارد.

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



منابع:

- [۱] نجفی، ابوالحسن. (۱۳۸۵). مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی؛ تهران: انتشارات نیلوفر.
- [۲] باطنی، محمد رضا. (۱۳۹۳). کتاب چهارگفتار درباره زبان، انتشارات آگه.
- [۳] نیل ساز، نصرت؛ حاجی خانی، علی و جلیلیان، سعید. (۱۳۹۴). معاشناسی زبان قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان فی الموافقه بین الحدیث و القرآن، پژوهشنامه معارف قرآنی، دوره ششم، صفحه ۱۶۱-۱۴۳.
- [۴] قاسمی ارانی، ابودر و خرم آبادی ارانی، زینب. (۱۳۹۴). جلوه های زبانی قرآن کریم، فصلنامه حبل المتین، سال چهارم، شماره یازده.
- [۵] ابراهیمی نیا، علی و شوندی، عفت. (۱۳۹۶). کارکرد های زبان در قرآن؛ دومین کنفرانس بین المللی ادبیات و زبان‌شناسی.
- [۶] مهاجری، مسیح. (۱۳۹۰). قرآن از زبان قرآن؛ تهران: انتشارات اوج.
- [۷] آریان، حمید. (۱۳۸۰). زبان قرآن؛ ساختار و ویژگی ها، انتشارات معرفت، شماره ۳۵.
- [۸] معرفت، محمدهادی. (۱۳۸۰). نشریه میراث جاویدان، سال اول، شماره اول، نظم آهنگ در قرآن.